

هر گاه که یکی از بندگان گنه کار پریشان روزگار دست انا بت  
به امید اجابت به درگاه خداوند برآرد ایزد تعالی در او نظر  
نکند بازش بخواند دگر باره اعراض کند بازش به تضرع و زاری  
بخواند حق سبحانه و تعالی فرماید

یا ملائكتی قد استَحْيَيْتُ مِنْ عَبْدِی و لَيْسَ لَهُ غَيْرِی فَقَدْ غَفَرْتَ  
لَهُ

دعوتش را اجابت کردم و حاجتش برآوردم که از بسیاری دعا  
و زاری بنده همی شرم دارم.

کرم بین و لطف خداوندگار

گنه بنده کرده است و او شرم‌سار

عاکفان کعبه جلالش به تقصیر عبادت معترف که ما عبدناک  
حق عبادتک و واصفان جمالش به تحیر منسوب که ما عَرَفناک  
حق معرفتک

گر کسی وصف او ز من پرسد

بیدل از بی نشان چگوید باز

عاشقان کشتگان معشوقد

بر نیاید ز کشتگان آواز

فرّاش باد صبا را گفته تا فرش زمّردهن بگسترد و دایه ابر  
بهاری را فرموده تا بنات نبات را در مهد زمین بپرورد درختان  
را به خلعت نوروزی قبای سبز ورق در بر کرده و اطفال شاخ  
را به قدم موسم ربيع کلاه شکوفه بر سر نهاده عصاره نالی  
به قدرت او شهد فایق شده و تخم خرمایی به تربیتش نخل  
باسق گشته

ابر و باد و مه و خورشید و فلك در کارند

تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری

همه از بهر تو سرگشته و فرمان بردار

شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری

در خبرست از سرور کاینات و مفتر موجودات و رحمت  
عالمیان و صفت آدمیان و تتمه دور زمان محمد  
مصطفی(ص)

شفیع مطاع نبی کریم

قسیم جسیم بسیم وسیم

چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان

چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتی بان

بلغَ الْعُلَىٰ بِكَمَالِهِ كَشَفَ الدُّجَىٰ بِجَمَالِهِ

حسنث جمیع خصاله صلوا عليه و آله

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

مُتَّ خدای را عز و جل که طاعتیش موجب قربتیست و به شکر  
اندرش مزید نعمت هر نفسی که فرو می‌رود ممدّ حیاتیست و  
چون بر می‌آید مفرح ذات پس در هر نفسی دو نعمت  
موجودست و بر هر نعمت شکری واجب

از دست و زبان که برآید

کز عهده شکرش به در آید

إِعْمَلُوا آلَ دَاوَدَ شَكْرًا وَ قَلِيلٌ مِنْ عِبَادَى الشَّكُورِ

بنده همان به که ز تقصیر خویش

عذر به درگاه خدای آورد

ورنه سزاوار خداوندیش

کس نتواند که به جای آورد

باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و خوان نعمت  
بی‌دريغش همه جا کشیده پرده ناموس بندگان به گناه فاحش  
ندرد و وظیفه روزی خواران به خطای منکر نبرد

ای کریمی که از خزانه غیب

گبر و ترسا وظیفه خور داری

دوستان را کجا کنی محروم

تو که با دشمنان نظر داری